

US policies in contemporary Iranian political crises (with emphasis on the nationalization of the oil industry)

Mohamadhadi Mazaheritehrani¹, Jalil Nayeibian², Mohamad Yosefjoybari³

Date of Received: 2021/11/18

Date of Acceptance: 2022/03/10

Abstract

The importance of the Persian Gulf energy, as well as Iran's strategic and geopolitical importance in competing with the former Soviet Union, America's main rival in the post-war world, made Iran the focus of US attention, and the Soviet Union sought to weaken the United States. On the other hand, the fragile economy of Western Europe, despite US aid under the Marshall Plan after World War II and the expansion of Soviet influence into the Western bloc, led the United States to make every effort to improve their economies and thus prevent the infiltration of ideas. Communists to these countries. One of the necessary tools for this purpose was cheap and high quality oil. Throughout its history, the United States has adopted different strategies depending on its global position. This change in strategy has been quite natural. From isolationism to globalism (internationalism); But what has always been constant is the nature of the strategies, all of which have been aimed at building economic empowerment, physical security, and value dissemination.

The United States's policy toward the national movement has been broadly divided into three periods: first, support for the nationalization of the oil industry; Second, friendly mediation in resolving disputes with Britain; and third, opposition to Mossadegh and the overthrow of the national government. The most important goals that the United States pursued during the nationalization of the oil industry were: 1-

1. PhD Student, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law, Political Science and Theology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. mazaheri.hadi@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, University of Tabriz, Tabriz, Iran, (responsible Author) jnayeibian@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law, Political Science and Theology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. yusefjoybari@iaut.ac.ir

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...



Preventing the instability of the oil market and ensuring the flow of oil exports to world markets 2- Preventing Iran from getting out of the orbit of the Western satellites and falling into the trap of communism And the Soviet :union: 3. Breaking the British oil monopoly and participating in Iranian oil The question in this study is what role does the United States play in the political crises of contemporary Iran, and especially the nationalization of the oil industry? The United States of America has played an important role in creating a crisis in contemporary Iran with its role in the coup d'état of 28 August and the nationalization of the oil industry and its domination of various aspects of the country.

Keywords: US foreign policy, the coup d'etat of 28 August, Iran policy, Mossadegh.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
جمعیت پژوهشگران جهان اسلامی

سیاست های ایالات متحده آمریکا در بحران های سیاسی ایران معاصر (با تأکید بر جریان ملی شدن صنعت نفت)

محمد هادی مظاهری تهرانی^۱جلیل نائیبیان^۲محمد یوسفی جویباری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷

چکیده

اهمیت انرژی منطقه خلیج فارس و همچنین اهمیت استراتژیک و ژئوپولیتیک ایران برای رقابت با شوروی سابق اصلی ترین رقیب آمریکا در دنیای پس از جنگ باعث شد که ایران در کانون توجه آمریکا قرار بگیرد و از طرف دیگر شوروی نیز برای تضعیف آمریکا در پی وضع موجود بود. از سویی اقتصاد شکننده اروپای غربی علیرغم کمک های آمریکا تحت پوشش طرح مارشال پس از جنگ جهانی دوم و گسترش نفوذ شوروی به درون کشورهای بلوک غرب سبب شد که آمریکا تمام تلاش خود را به کارگیرد تا اقتصاد این کشورها را بهبود بخشد و بدین وسیله مانع از نفوذ اندیشه های کمونیستی به این کشورها شود. یکی از ابزارهای لازم برای این منظور نفت ارزان و مرغوب بود. ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ خود استراتژیهای متفاوت را با توجه به جایگاه جهانیاش اختیار کرده است. این تغییر استراتژی کاملاً طبیعی بوده است. از انزوگرایی تا جهان گرایی (بین الملل گرایی)؛ اما آنچه همیشه ثابت بوده، ماهیت استراتژیها که جملگی هدفشان در راستای ایجاد توانمندی اقتصادی، امنیت فیزیکی و اشاعه ارزشی بوده است. سیاست ایالات متحده را در قبال نهضت ملی، بطور کلی به سه دوره تقسیم کرده اند: اول، پشتیبانی از جنبش ملی شدن صنعت نفت؛ دوم، میانجیگری دوستانه در حل اختلافات با انگلستان؛ و سوم، مخالفت با مصدق و براندازی حکومت ملی. مهمترین اهدافی که آمریکا در جریان ملی شدن صنعت نفت به دنبال آن بود عبارت بودند از: ۱- جلوگیری از بی ثباتی بازار نفت و تضمین جریان صدور نفت به بازارهای جهانی ۲- جلوگیری از خارج شدن ایران از مدار اقمار غرب و افتادن به دام کمونیسم و شوروی ۳- شکستن انحصار نفتی انگلستان و سهمیه شدن در نفت ایران سؤال مورد نظر در این تحقیق این است که ایالات متحده آمریکا چه نقشی در بحران های سیاسی ایران معاصر و بالاخص جریان ملی شدن صنعت نفت دارد؟ ایالات متحده آمریکا با نقشی که در کودتای ۲۸ مرداد و ملی شدن صنعت نفت و سلطه بر شئون مختلف کشور داشت نقشی مهم را در بحران سازی در ایران معاصر دارد.

واژه های کلیدی: سیاست خارجی آمریکا، کودتای ۲۸ مرداد، سیاست ایران، مصدق.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و الهیات، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران mazaheri.hadi@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) jnayebian@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و الهیات، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران yusefijouybari@iaut.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose



درک و فهم رهبران آمریکا از محیط بین المللی در هزاره جدید به طرز وسیع در چهارچوب ارزش دهنده فرهنگ سیاسی این کشور بازتاب یافته است. این به آن معنا است که برای اولین بار از زمان انتقال مرز تصمیم گیری از اروپا به آمریکا به طور وسیعی شاهد هستیم که سیاست خارجی گروگان ملاحظات داخلی گردیده است. اینکه چرا چنین دگرگونی گسترده در عملکرد خارجی رهبران آمریکا در دوران هژمونی این کشور حادث گردیده است به ضرورت باید توجه را معطوف به ماهیت ساختار نظام بین الملل کرد (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم به قدرتمندترین کشور جهان از جهات گوناگون سیاسی، اقتصادی و نظامی تبدیل شده بود، رقابت گسترده ای را با ابرقدرتهای پیشین به ویژه انگلیس آغاز کرده بود. گسترش روز افزون منافع آمریکا در خاورمیانه هر روز بیشتر این کشور را به امور و مسائل خاورمیانه علاقه مند می-کرد و آنها حریصانه و مشتاقانه و در عین حال با نگرانی در صدد توسعه منابع نفتی خود در منطقه بودند. به طوری که دستیابی به نفت بیشتر در خاورمیانه به یکی از اهداف اساسی سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده بود. ۳ از طرفی انگلیس بیشترین منافع را در خاورمیانه دارا بوده و درآمد سرشاری از نفت ایران حاصل این کشور می گردید. آمریکا نیز نمی توانست نسبت به این سود سرشار بی تفاوت بماند و لذا خواهان سهم شدن با انگلیس در این خوان نعمت بود. بنابراین حمایت اولیه این کشور از مصدق و فشارهایش بر انگلیس در جهت قبولاندن حضور پر رنگ خود در خاورمیانه به انگلیس بوده است. (رنجبر، ۱۳۸۳: ۴۵). به دنبال تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران، آمریکا در مواجهه با انگلیس و ایران روشی دوگانه در پیش گرفت. در واقع دولت آمریکا يك استراتژی تغییر ناپذیر برای کسب سلطه بر منابع نفت و يك تاکتیک نرم و دوپهلو برای رسیدن به این هدف پیشه خود ساخت. از يك طرف با حمایت از عملیات دولت ایران، انگلیسی ها را تحت فشار قرار می داد و از طرف دیگر، با حمایت از پیشنهادهای انگلیس، ایران را از اهداف خود باز می داشت.

هرچند هدف اصلی آمریکا حمایت از نهضت ملی ایران نبود اما آن کشور با انگلستان نیز همراهی چندانی نداشت. ایالات متحده اصولاً به هیچ وجه راضی نبود که تمام نفت ایران در اختیار انگلستان باقی بماند لذا سیاستی را در منطقه و ایران تعقیب می کرد که کنترل منابع نفتی منطقه را از دست انگلستان خارج کند. سیاستهای آمریکا از ابتدای اجرای نفت تا پایان آن نیز مویدهمین واقعیت است. این دولت در اصل با سیاست دکتر مصدق و «ملی کردن صنعت نفت» مخالف بود. بدین معنی ایالات متحده هم





فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

با سیاست نفتی انگلستان در ایران و هم با اصل ملی کردن صنعت نفت سازگاری نداشت. این کشور حتی در دوره مصدق اقداماتی از جمله مخالفت با مصدق انجام داد که عامل تضعیف دولت وی گردید. بعد از برکناری حکومت ملی دکتر مصدق و روی کار آمدن حکومت سرلشکر زاهدی و بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی بر اثر تحریم‌های اقتصادی کشور انگلستان و فشارهای سیاسی بین‌المللی؛ با سرکوب کردن مبارزه قهرمانانه‌ی ملت ایران زمینه آماده و مناسبی برای هرگونه مقاصد چپاول گرایانه استعمار گرایان آمریکایی و انگلیسی فراهم گردید. روشی که پژوهش حاضر را بر اساس آن انجام می‌دهیم، تحلیلی - توصیفی است بدین صورت که داده‌های مختلفی را که به طرق مختلف گردآوری کرده‌ایم، شرح می‌دهیم. سپس به تحلیل این اطلاعات پرداخته و از آن برای اثبات فرضیه مورد نظر در تحقیق، استفاده می‌نماییم. علاوه بر این می‌توان گفت این پژوهش روش تحلیلی - تاریخی دارد. روش تاریخی نحوه پیشبرد و پرداختن به مؤلفه‌های مورد بررسی موضوع را تعیین می‌کند و فعل و انفعالات در روابط دو کشور را که در گذشته و در یک مقطع زمانی اتفاق افتاده است، بررسی می‌کند. محقق در آن می‌کوشد از طریق گردآوری اطلاعات مربوط به موضوعی تاریخی و بررسی صحت و سقم آن اطلاعات و نیز تجزیه و تحلیل آن‌ها به کشف حقایق مربوط به آن موضوع دست پیدا کند.

-پیشینه تحقیق

موسویان (۱۳۹۷)، در کتابی با عنوان ایران و آمریکا گذشته شکست خورده و مسیر آشتی در سال ۱۳۹۷ نوشته است. این کتاب ترکیبی است از خاطره، تحلیل و جزییات هرگز گفته نشده‌ای که مانع برقراری روابط ایران و آمریکا شده‌اند. کتابی از سفیر سابق ایران در آلمان و سخنگوی سابق تیم مذاکرات هسته‌ای که توجه سناتورهای آمریکایی را به خود جلب کرده است؛ حتی حد فاصل رأی‌گیری برای بودجه سالانه، می‌توانستید این کتاب را روی میز سناتورها ببینید. الیزابت وارن، سناتور دموکرات از ایالت ماساچوست، کریس کونز سناتور ایالت دلوور، و شرود براون سناتور ایالت اوهایو از جمله کسانی هستند که این کتاب را در صحن سنا خوانده و به همکاران خود توصیه کرده‌اند که برای اطلاع از رویکرد ایرانی‌ها به رابطه با آمریکا، حتماً آن را بخوانند. کتاب مذکور نیز به تأثیر تحریم‌های آمریکا بر توسعه ایران پرداخته نشده است. گرت (۱۳۹۳)، ۱۳۹۳ کتابی با عنوان «بحران جعلی: قصه ناگفته از هراس هسته‌ای ایران ۱، حاوی اطلاعات جالبی از دروغ‌هایی است که در سال‌های اخیر مقامات آمریکایی، رژیم صهیونیستی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه هسته‌ای ایران گفته‌اند. نویسندگان معتقد است که در واقعیت، آمریکا در

اوایل سال ۱۹۸۳ به طور ستیزه‌جویانه مانع برنامه آشکار و قانونی ایران برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای شد و این اقدام غیرقانونی و متجاوزانه آمریکا سبب شد که ایران برای دستیابی به فناوری مورد نیاز برای برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز به مبادلات بازار سیاه بین‌المللی هسته‌ای روی بیاورد. در کتاب مذکور همچنین در مصاحبه با چند مقام سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افشا کرده که آژانس چگونه بر مبنای اسنادی که عمدتاً از اسرائیل می‌رسید، گزارش‌های گمراه‌کننده‌ای درباره برنامه ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای منتشر کرده است. این کتاب همچنین از نحوه گزارش‌های نادرست آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) درباره برنامه هسته‌ای ایران، پرده برداشته است.

گاتشاک، گرین (۱۳۹۳) در کتابی به عنوان اسلام هراسی به مرور بر مجموعه‌های از کاریکاتورها و دسته‌بندی و تحلیل محتوای آنها، در کنار بازگویی واقعیات حیات مسلمانان امروز خواسته‌اند بر وضع جاری، که فراتر از سطح احزاب لیبرال یا محافظه کار تبدیل به مسئله‌ای ملی شده است، نقدی علمی داشته باشند. این اثر در ۵ فصل مروری بر رویارویی دنیای غرب با جهان اسلام، نمادهای اسلامی نمادهای قدرت، تلقی کلیشه‌ای از مسلمانان و استقرار هنجار آمریکایی، مسلمانان افراطی و آمریکاییهای میان‌هرو و برهه‌ها تدوین شده است. بحث اصلی این کتاب اسلام به طور کلی است و تنها بر کشور ایران متمرکز نشده است.

احیایی (۱۳۸۲)، در کتاب با عنوان مستشاران آمریکایی در ایران به روایت، نویسنده که این کتاب را در ۵ فصل نوشته است به بررسی روابط بین دولتمندان ایران و آمریکا و پیشینه تاریخی ورود آمریکایی‌ها به ایران و آغاز مناسبات دو کشور تا خروج آمریکایی‌ها از ایران در ۱۳۵۸ پرداخته است. این کتاب از حیث اهمیت تاثیر دولت آمریکا بر سیاست نظامی محمد رضا پهلوی مهم می‌باشد.

نجاتی (۱۳۸۹)، در کتابی با عنوان، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جامع‌ترین و دقیق‌ترین کتابی در نوع خود می‌باشد که بمنظور ارایه افتخارانگیزترین حماسه ملت ایران برای نجات از پیچیده‌ترین زنجیرهای اسارت استیلاگران غربی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ نوشته شده است. حماسه‌ای در اوج نهضت‌های ملی ما که با وجود شکست نهایی، بوجود آورنده پیروزیهای بسیار ارزنده و سازنده بود. این قیام نه تنها تاریخ ایران بلکه تاریخ کشورهای استعمارزده چون مصر و الجزایر را ورق زد و تاریخ استعمار. اقتدار امپراطوری حلیه گر غارتگری را بصفحه آخر رساند.

یراوند (۱۳۹۲)، آبراهامیان در این کتاب به تحلیل تأثیرات متقابل سازمان‌های سیاسی و نیروهای اجتماعی ایران از سده نوزدهم میلادی تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ می‌پردازد. نیروهای اجتماعی را به



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست‌های جهان اسلام

گروه‌های قومی و طبقات اجتماعی تقسیم می‌کند و با توجه به دستاوردهای جامعه‌شناسان تأثیرات نظام‌های سیاسی بر نظام‌های اجتماعی را بررسی می‌کند. آبراهامیان کارش را با تبیین ساختار اجتماعی - سیاسی دوره قاجار و علل و پیامدهای انقلاب مشروطیت آغاز می‌کند، با بررسی دوره رضا شاه و سقوط او و سال‌های بحرانی شهریور ۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ ادامه می‌دهد و بر این دوره، به ویژه تأثیر و تأثرهای نیروهای سیاسی تأکید می‌کند.

رنجبر (۱۳۸۳) در رقابت آمریکا و انگلیس در ایران و نهضت ملی شدن صنعت نفت نشان داد که بسیاری گمان می‌برند که در جریان ملی شدن صنعت نفت آمریکا به طرفداری از ایران در مقابل انگلستان ایستاد و از منافع ملت ایران حمایت کرد، در حالی که با مطالعه تاریخ به خوبی درمی‌یابیم که آمریکا خواستار منافع نفتی به سوی خود بود و گل آلود شدن آب او را به مقصود می‌رساند به همین خاطر هم پس از عدم تأمین آنچه که می‌خواست به طراحی و اجرای کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق دست زد.

علی سلیمانی (۱۳۹۰) در مقاله بررسی روابط سیاسی ایران و آمریکا در دوره نخست‌وزیری محمد مصدق نشان داد که تاریخ معاصر ایران بین سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۰ ش. / ۱۹۵۳-۱۹۵۱ م. به دلایل متعدد از اهمیت بسزایی برخوردار است. از جنبه‌های مهم این دوره، جنبش ملت ایران برای ملی شدن نفت و واکنش دولت ایالات متحده آمریکا در قبال آن است. این مقاله با تأکید بر منافع ملی آمریکا درصدد بررسی عواملی است که باعث تغییر رویکرد آمریکا در قبال ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر مصدق گردید. برخلاف دیدگاه‌های رایج، به نظر نمی‌رسد هراس از قدرت روزافزون کمونیسم در ایران عامل اصلی تغییر سیاست آمریکا باشد، بلکه عامل اساسی در تغییر رویکرد این کشور نسبت به دولت دکتر مصدق، موقعیت سوق الجیشی ایران و سهم شدن در منابع نفت بوده است.

سوری و رضا پور (۱۳۹۶) در مقاله پهلوی دوم و واکاوی سیاست خارجی آمریکا در دوره ریاست جمهوری کارتر با تأکید بر مسأله انقلاب در ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۵ ش) نشان دادند که در اواخر سال ۱۳۵۵ ش. دولت دموکرات کارتر بر سرکار آمد. کارتر سیاست دوگانه‌ای در برابر رژیم حاکم بر ایران تا زمان فروپاشی آن در پیش گرفت؛ از کاهش صدور تسلیحات نظامی و تأکید بر اجرای مقررات حقوق بشر تا تجدیدنظر و پیگیری برنامه‌های حمایتی و بن‌بست سیاسی رژیم با نیروهای انقلابی و حمایت از دولتی انتقالی. در مقاله حاضر، با روش تحلیل محتوا، رویکرد خارجی دولت آمریکا در روند تحقق انقلاب ایران با تمرکز بر مسائل داخلی بررسی می‌شود. آمریکا علیرغم ترغیب ایران و حتی فشار سیاسی

برای اجرای مقررات حقوق بشر تا اواخر سال ۱۳۵۶ ش. در ظاهر به حمایت از حکومت ایران پرداخت و با بحرانی شدن اوضاع، خواهان روی کار آمدن دولتی متشکل از ملیون شد؛ موضوعی که در تزلزل روانی شاه و هیئت حاکمه در اوج بحران‌ها نقش مؤثر داشت.

در مورد ابعاد مختلف سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران مقالات بسیاری منتشر شده است. با این حال، بحث تأثیر این مهم، بر بحران‌های جمهوری اسلامی ایران در صحنه داخلی و منطقه‌ای از مباحثی است که مغفول واقع شده است. در این راستا، از آنجایی که این تحقیق درصدد تأثیرات ابعاد مختلف سیاست‌های آمریکا در راستای بحران‌سازی در ایران بالاخص در دوران ملی شدن صنعت نفت بوده است و دامنه آن نیز همچنان ادامه دارد، این مهم به عنوان جنبه‌ای جدید و در واقع نوعی نوآوری در این پژوهش محسوب می‌شود.

-چارچوب نظری:

الگوی سیاست خارجی (رویکرد تصمیم‌گیری):

تعریف تصمیم‌گیری: تعاریف متعددی برای تصمیم‌گیری ارائه شده است، کارل اندرسون تصمیم‌گیری را این گونه تعریف می‌کند "ساده‌ترین تعریف تصمیم‌گیری عبارت است از انتخاب یک راهکار از میان چند راهکار احتمالی که وجود دارد و اتخاذ یک راهکار به معنای پایان روند تصمیم‌گیری نیست بلکه هر تصمیمی با ظهور مسئله و مشکل فرایند خود را آغاز می‌کند و معمولاً تصمیمی که گرفته می‌شود نمایشگر تفاوت بین وضع موجود و رسیدن به وضع دلخواه در آینده است. (Anderson Carl, 1988: 130) در این راستا تئوری تصمیم‌گیری برای یافتن و به کارگیری راه حلی که در هر زمان و مکان بهترین باشد و بر اساس مطلوب ذهنی مورد انتظار به انتخاب عقلایی برای رفع مشکل دست می‌زند. امروزه تصمیم‌گیری یکی از مهم‌ترین مباحث در عرصه‌ی تئوری پردازی و مفهوم‌سازی در سیاست خارجی می‌باشد. اگرچه ریشه‌های اصلی تئوری تصمیم‌گیری در اقتصاد و علم مدیریت بسط و گسترش یافته‌اند، اما دامنه‌ی این تئوری‌ها به مهم‌ترین عرصه‌ی تصمیم‌گیری سیاسی، یعنی سیاست خارجی نیز کشیده شده است. به منظور فهم بهتر تئوری تصمیم‌گیری بهتر است ابتدا با تعریف مفاهیم تصمیم‌گیری آشنا شویم. تصمیمات، برون‌داد‌های ساختار سیاسی هستند که از طریق آن‌ها در داخل یک جامعه ارزش‌ها به نحو اقتدار آمیزی توزیع می‌شود. تصمیم‌گیری عمل‌گرانش میان راه حل‌های جایگزین یا بدیل‌های موجودی است که در موردشان یقین و قطعیت نداریم. (دوئرتی، ۱۳۸۸: ۷۱۹)



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دانش‌های جهان اسلام

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی (رهیافت تصمیم‌گیری): ارزیابی رفتار دولت‌ها بر پایه‌ی تصمیماتی که سیاست‌گذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. بنابراین روش تصمیم‌گیری یکی از چهارچوب‌هایی است که برای بررسی روابط بین الملل مورد توجه قرار می‌گیرد. (قوام، ۱۳۷۰: ۳۹) پس می‌توان گفت که تحلیل گران سیاسی با دورویکرد سیستمی و رویکرد تصمیم‌گیری به بررسی مسائل می‌پردازند. رویکرد سیاست خارجی (الگوی تصمیم‌گیری) بر عملکرد سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران سیاسی در جریان بحران تأکید می‌کند و بحران در این الگو، مرحله‌ای از اختلاف می‌باشد که هالستی نشانه‌های بحران را از دیدگاه تصمیم‌گیران ۱. احساس عظیم بودن تهدید ۲. محدودیت زمان پاسخگویی ۳. غافلگیری و ۴. احساس ایجاد عواقب مصیبت بار به خاطر اقدام نکردن بیان می‌کند. (هالستی، ۱۳۷۳: ۶۱۴) در این مدل بر جنبه انسانی و روانشناختی در فرایند سیاست‌گذاری خارجی تأکید می‌شود و نقش فرد در تصمیم‌گیری مورد توجه متخصصان قرار می‌گیرد. قوام معتقد است تصمیم‌گیری در سیاست خارجی (رهیافت تصمیم‌گیری) ارزیابی رفتار دولت‌ها بر پایه‌ی تصمیماتی که سیاست‌گذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. (قوام، ۱۳۸۶: ۱۲۸) در این راستا برچر نیز بیان می‌کند که در الگوی سیاست خارجی بر حالت ادراکی تصمیم‌گیرندگان در عالی‌ترین سطح، مبنی بر وجود فشار یا فشارهایی که منشاء خارجی دارند تأکید می‌کند (برچر، ۱۳۸۲: ۵۲) و از آنجا که وضعیت بحرانی به تناسب شدت تهدید، تداوم زمان و درجه آگاهی با هم متفاوت هستند، هریک از سه عامل تعیین‌کننده بحران (تهدید، زمان، غافلگیری) ممکن است در حد غایی شدت و اهمیت و یا در پایین‌ترین حد قراگیرند و به دسته بندی بحران‌ها اقدام شود (کاظمی، ۱۳۶۶: ۲۴) در اینجا نویسنده به تحلیل رفتار آمریکا در مدیریت نفتی می‌پردازد.

- مفهوم بحران:

یکی از مباحثی که ریشه در روابط بین الملل و مطالعات استراتژیک به ویژه در سالهای اخیر مورد توجه واقع شده است مبحثی است که اصطلاحاً با عنوان بحران و مدیریت آن بیان می‌شود. تمامی محققان بر سر اینکه مدیریت بحران به کنترل دقیق مسائل سیاسی توسط نخبگان سطوح بالاتر ارتباط دارند اختلاف نظر دارند اما به نقش این نخبگان به عنوان عامل اصلی در کنترل بحران‌ها توجه می‌شود. واژه بحران نه فقط در قلمرو سیاست بلکه در علوم انسانی و اجتماعی و حتی علوم طبیعی و پایه نیز به فروانی به کار می‌رود. هر روز کاربرد آن را با عناوینی چون آلودگی هوا، بحران اعتصاب کارگران، بحران سوخت و انرژی، بحران مالی، بحران مواد غذایی و... می‌بینیم و بحران در این موارد مفهومی خاص است که بر

مصادق‌های عمومی اطلاق می‌شود و در این کاربردها بحران به معناهای متفاوتی مانند تهدید، مناقشه، اختلاف، کمبود و... به کار می‌رود. در علوم سیاسی بحران یکی از پر استعمال‌ترین الفاظ می‌باشد و وقتی این واژه توسط دولتمردان به کار می‌رود بیشتر نشان از مشکلات موجود در روند تصمیم‌گیری آنها و فشارهای ناشی از آن بر دولت مردان به کار می‌رود بیشتر نشان از مشکلات موجود در روند تصمیم‌گیری آنها و فشارهای ناشی از آن بر دولتمردان می‌باشد. اما در متون و نظریات روابط بین‌الملل نیز بحران هم در سطح خرد (روابط بین کشورها) و هم در سطح کلان (بحران‌هایی نظام بین‌الملل و کل جامعه جهانی را درگیر می‌سازد) کاربرد دارد. و مفاهیمی چون تهدید، جنگ، فروپاشی، سقوط و... را در بر می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۶۶: ۱۳)

بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور که عوامل مختلفی چون هرج و مرج، اعتصاب، شورش‌های نظامی، کودتاها، جنایات خشونت‌آمیز، قومیت‌گرایی در ایجاد آن نقش اصلی را ایفا می‌کنند و می‌تواند ضمن ممانعت از رشد و توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور موجبات تأثیرگذاری آن بر کشورهای منطقه از طریق مهاجرت، ناامنی مرزها، قاچاق، تشدید اختلافات مرزی فراهم آورده و به نوعی ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و در مجموع امنیت ملی کشورها را به مخاطره اندازد و بنابراین می‌توان گفت که ثبات سیاسی یعنی توانایی یک پدیده سیاسی برای پشت سر گذاشتن حوادث احتمالی و ممانعت از تحولاتی که هویت آن را تغییر می‌دهند. پس آن دسته از پدیده‌هایی که ویژگی‌های یک نظام سیاسی را تهدید می‌کنند و نظام مزبور توانایی مقابله با آن‌ها را ندارد موجبات بی‌ثباتی آن را فراهم می‌کنند.

بنابراین گستردگی و تنوع زیاد بحران باعث می‌شود که نتوان تعریف کامل و همه‌جانبه از بحران ارائه داد و از آنجا که بحران یک مفهوم تعریفی و باز تعریفی است نه شناختی پس نسبی می‌باشد و نمی‌توان تعریف کلی و مطلق از آن ارائه داد برچر برای تحلیل بحران به نقش بازیگران و تأثیر پذیری بحران از ساختار نظام و یا مداخله نیروهای دیگر در بحران می‌پردازد (برچر، ۱۳۸۲: ۵۷) مهم‌ترین دغدغه هر حکومت و نظام سیاسی دست‌یابی به ثبات و امنیت پایدار است. ثبات سیاسی حکومت عبارت است از این که ماهیت نظام سیاسی علی‌رغم وجود برخی نوسان‌ها و گذر از بحران‌های مختلف، ثابت و پایدار باقی بماند. رهبران و مسئولان سیاسی در همه‌ی کشورها گرایش دارند که نظام سیاسی شان را با گذشت زمان، جاودانه سازند. از سوی دیگر، هر نظام سیاسی پویا در تعامل با محیط داخلی و خارجی خویش، به ناچار درگیر تنش‌ها و بحران‌هایی می‌شود که اگر نتواند آنها را مدیریت نماید نظام سیاسی دچار بی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام



ثباتی شده و امنیت آن به شدت در معرض تهدید قرار می‌گیرد. بی‌ثباتی سیاسی وضعیت و حالتی منبعث از تکرار وقایع و حوادثی خاص است که تداوم و پایداری یک حکومت یا دولت را مورد تهدید قرار داده یا به چالش می‌خواند. ثبات و بی‌ثباتی در هر کشوری رابطه‌ای مستقیم با مفهوم امنیت دارد. عده‌ای حتی در تعاریف خود امنیت و ثبات را یکسان تعریف نموده به گونه‌ای که امنیت را به معنی رهایی از تهدیدات در قبال ارزش‌های بنیادین (هم برای افراد و هم برای گروه‌ها) می‌دانند. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۵۷)

در بحث مدیریت بحران با بروز حادثه و اتفاقات تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی با سه معیار زمان، غافلگیری و تهدید روبه‌روند و با وجود جو متفاوت با استفاده از ابزار و تاکتیک‌های مناسب در راستای به دست آوردن نتایج منطقی تصمیم بگیرند.

-مقابله آمریکا با فعالیت‌های هسته‌ای ایران بعد از انقلاب اسلامی:

اگر چه در جریان انقلاب اسلامی عضویت ایران در آژانس و پایبندی به (NPT) و قرارداد پادمان همچنان حفظ شد، اما برنامه‌های هسته‌ای به دلایلی همچون عدم تمایل دولت به ادامه فعالیت‌ها، سرباز زدن شرکت‌های خارجی از تکمیل نیروگاه‌ها بر مبنای قراردادهای، آغاز جنگ تحمیلی و ... به دست فراموشی سپرده شد.

از دید آمریکایی‌ها در صورت مجهز شدن ایران به سلاح اتمی، این کشور می‌تواند قدرت مسلط خاورمیانه شود، بازار نفت را بی‌ثبات کند و به سادگی کشورهای تولیدی کننده نفت را تهدید کند. آمریکایی‌ها از این موضوع در هراسند که ایران با توان اتمی می‌تواند به نیروهای ضد آمریکایی‌ها در منطقه، بدون واهمه از واکنش آمریکا یاری رساند و نگرانی عمده دیگر آمریکا درباره متحدین عرب آمریکاست که می‌تواند بی‌ثباتی این رژیم‌ها و شکل دهی رژیم‌های تحت نفوذ ایران را در پی داشته باشد (موسویان، ۱۳۹۴: ۳۰۲).

آمریکا به چند دلیل مخالف توسعه هسته‌ای ایران است. درحالی که نگرانی‌های اسرائیل عامل اصلی آمریکا و این دلیل نفوذ اسرائیل بر اتخاذ استراتژی اصلی آمریکا در خاورمیانه است، آمریکا بیشتر به دلیل منابع انرژی منطقه نگران است که اهمیت اقتصادی و امنیتی فراوانی برای آن دارد. این عامل در تفکر استراتژیک ایالات متحده حداقل از سال‌های دهه ۱۳۲۰ به بعد جایگاه اصلی را داشته است.

-رابطه آمریکا و ایران از سال ۱۹۷۹-۱۹۹۰

سیاست خارجی ایران در دوران پس از جنگ جهانی دوم همواره از سیاست همکاری با قدرت‌های غربی تا سیاست بی‌طرفی و حتی رویارویی در نوسان بود. سیاست خارجی ایران در دوران جنگ سرد تحت تأثیر شرایط موجود در آن قرار گرفت و به این ترتیب به متحد استراتژیک آمریکا تبدیل شد، واشنگتن امیدوار بود که ایران بتواند جلوی نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه را بگیرد، اما این ائتلاف راهبردی دیری نپایید و رژیم وابسته شاه در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ م.) توسط مردم ایران در روند انقلاب اسلامی سرنگون شد و به این ترتیب جمهوری اسلامی بنیان نهاده شد، از آن هنگام تاکنون ایران و آمریکا روابط سرد، پر از تنش و خصمانه‌ای را سپری کرده‌اند (سپهر، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

در حال حاضر موانع عمده‌ای که در روابط ایران و آمریکا وجود دارد عبارتند از:

در حال حاضر با حل مسئله‌ی هسته‌ای و توافق صورت گرفته بین ایران و ۱+۵ در چارچوب معاهده‌ی برجام، مسئله‌ی هسته‌ای که مهم‌ترین بعد اختلاف ایران و آمریکا در طی سال‌های اخیر بوده است، تا حدودی حل شده است.

سیاست آمریکا همواره در جهتی سیر می‌کرده است که به دنبال تضعیف و ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران و ایجاد شکاف میان دولت و ملت ایران بوده است. طبیعی است که پیش شرط اولیه برقراری ارتباط در سطح دو دولت این است که دو طرف موجودیت یکدیگر را به رسمیت بشناسند. و به اصول و ارزش‌های یکدیگر احترام بگذارند. با توجه به اینکه آمریکا همواره تغییر رژیم در ایران را در دستور کار خود داشته است و حتی برای عملیات براندازی و تبلیغات برای سرنگونی رژیم از طریق راه‌اندازی کانال‌های تلویزیونی فارسی زبان، بودجه‌ای اختصاص داده است، باید گفت تا زمانی که تغییر رژیم در ایران مدنظر آمریکا باشد، برقراری روابط در سطح دولت‌ها به واقعیت نخواهد پیوست. البته نقش لابی یهود در ایجاد این ذهنیت در میان دولتمردان آمریکایی بسیار مؤثر بوده است، به گونه‌ای که لابی یهود در ایالات متحده توانسته است مواضع اسرائیل را به عنوان مواضع رسمی ایالات متحده بقبولاند. منافع ملی اسرائیل همواره ایجاب می‌کرده است که عادی‌سازی روابط ایران با آمریکا به دلیل رویکرد ایران نسبت به اسرائیل صورت نپذیرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روابط ایران و آمریکا وارد مرحله جدیدی گردید و به سرعت رو به تیرگی نهاد و با ماجرای اشغال سفارت آمریکا در تهران به طور کامل قطع گردید. در این ماجرا (به نظر عده‌ای) ایرانیان با یادآوری کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر آن شدند تا با اشغال سفارت، آمریکا را فلج سازند تا



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام



نتواند یک طرح کودتای دیگر را به اجرا گذارد. علاوه بر این عوامل دیگری همچون رفتار آمریکایی‌ها در قبل از انقلاب، در هنگام وقوع آن و در کل ذهنیت تاریخی-روانی ایرانیان از سیاست‌های آمریکا در ایران در اشغال سفارت این کشور دخیل می‌باشد. در پی اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری کارکنان سفارت این کشور، بحرانی در روابط دو کشور به وجود آمد. (زیباکلام، ۱۳۸۱: ۲۱۵)

در ابتدای انقلاب اسلامی ایران، رابطه آمریکا به لحاظ رسمی با ایران قطع شد. سفارتخانه‌ها تعطیل گردید و دو کشور در مقابل یک‌دیگر قرار گرفتند به نحوی که مخالفت با یک‌دیگر از شکل رفتاری، به یک هدف تبدیل گردید. ایالات متحده به همراهی برخی از کشورهای اروپایی در ابتدا از راه کمک به عراق و راه‌اندازی جنگ، تحریم‌های اقتصادی و کمک به مخالفان ایران سعی کرد ایران را محدود، منزوی، خنثی و براندازی کند. در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم بسیاری از بنیان‌های پژوهشی و دانشگاه‌هایی چون «استنفورد، کالیفرنیا، هاروارد، رند، هریتیج و...» به سیاستمداران آمریکایی پیام دادند که باید دیپلماسی خود را به سمت عمومی شدن در قبال ایران حرکت دهند.

- رابطه آمریکا و ایران از سال ۱۹۹۰-۲۰۰۱

پس از جنگ ایران و عراق و تغییرات شگرف سیستم دو قطبی بین‌المللی و فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) و جنگ آمریکا و عراق در ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) و پی آمدهای منطقه‌ای آن و نیز توانان بودن این رخدادها با تغییر رهبری سیاسی در آمریکا از جرج بوش به بیل کلینتون، در نوامبر ۱۹۹۲ (۱۳۷۱)، سیاست مهار دوجانبه به عنوان یکی از منظم‌ترین و پیچیده‌ترین سیاست سنتی آمریکا در منطقه خلیج فارس که مبتنی بر ایجاد تعادل قوا در قالبی استراتژیک بین ایران و عراق بود، تکرار الگوی مهار شوروی در دوران جنگ سرد را به عنوان اصلی‌ترین دستور العمل استراتژیک غرب برای مقابله با ایران توصیه کرد. (سجادپور، ۱۳۸۰: ۱۹۰).

طی سالهای پایانی دهه ۱۹۹۰ اعلام شد، سیاست مهار در مقابل ایران و عراق با شکست انجامیده است. شاهد محکم بر این ادعا را باید در وقوع برخی از تحولات از جمله حمله آمریکا به عراق در اوایل سال ۲۰۰۳ و تهدید ایران در صورت عدم تغییر سیاست‌ها و خط مشی به حمله نظامی جستجو کرد. با تغییر ریاست جمهوری آمریکا و روی کار آمدن جمهوری خواهان به پشتوانه نو محافظه کاران، عادی سازی روابط آمریکا با ایران با مخالفت مواجه گردید و شیوه جدیدی از خصومت علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. نو محافظه کاران به فشارهای سنگین از بیرون و حمایت علنی از گروههای معاند و

معارض در داخل و خارج و حتی حمله نظامی علیه ایران برای تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران معتقدند. زیرا که به اعتقاد آنها سیاست های گذشته آمریکا علیه ایران در ۲۵ سال گذشته نتوانسته بود، رفتار این کشور را تغییر دهد. (زهرانی، ۱۳۸۱: ۹۲)

قطع مناسبات میان ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب شد تا خصومت های میان دو کشور به صورت مشکلی پایدار باقی بماند و با گذشت سه دهه از آن، سیاست مداران آمریکایی، از ابزارهای گوناگونی برای تغییر رفتار ایران استفاده کنند. آمریکا همواره در رابطه با چهار موضوع مخالفت ایران با رفتار و سیاست های اسرائیل در منطقه و تلاش برای تسلط بر منطقه خاورمیانه، حمایت از گروه های تروریستی، وضعیت حقوق بشر و تلاش برای دستیابی به سلاح های هسته ای، از ایران انتقاد کرده است. دولت های آمریکا از زمان جیمی کارتر تاکنون همواره تأکید زیادی بر تغییر رفتار ایران در چهار زمینه فوق داشته اند و بر این اساس، آمریکا مجموعه ای از سیاست های خصمانه، از بلوکه کردن اموال و دارائی های ایران در آمریکا گرفته تا تحریم های گوناگون اقتصادی علیه حکومت ایران را به منظور تغییر رفتار سیاسی و حتی تغییر حکومت ایران دنبال کرده است. علاوه بر این مسائل، نارضایتی های دیرینه تاریخی، ناشی از دخالت های آمریکا در امور داخلی ایران و حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، به عنوان عاملی تهدید کننده از سوی ایران مطرح شده اند. با این حال، مقام های آمریکایی نمی توانند اهمیت قابل ملاحظه ایران را در منطقه خاورمیانه و جهان منکر شوند. بنابراین، به دنبال آن هستند تا با مجموعه ای از سیاست ها و ابزارها با ایران برخورد کنند تا کمترین هزینه را برای آنها در پی داشته باشد و در مقابل اهداف سیاسی آنها را در قبال ایران تأمین نماید. (احدی، ۱۳۸۷: ۱)

یک پایه مهم دولتمردی، همیشه فهم سیاست بیرون از مرزها بوده است. دولتمردان بزرگ تاریخ، آنان بوده اند که میان واقعیات داخل مرزها و تحولات بیرون تعادل ایجاد کرده اند. هالستی، سیاست خارجی را تحلیل اقدامات یک دولت در محیط خارجی و شرایط داخلی مؤثر در تعیین اقدامات مزبور میداند. سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا از بنیان ها و دکترین های مختلفی که در طول دو قرن گذشته شکل گرفته، تشکیل شده است. مکتب هامیلتونیسم، مکتب جکسونیسم، مکتب ویلسونیسم. دکترین های سیاست خارجی آمریکانیز عبارتند از: دکترین مونروئه؛ مقابله با مداخله اروپاییان در نیمکره غربی و نفی مداخله در مناقشات اروپایی، دکترین روزولت؛ تأکید بر حق مداخله ایالات متحده آمریکا در نیمکره غربی با هدف حفاظت از منافع سیاسی و اقتصادی این کشور، دکترین ترومن؛ حمایت از کشورهای یونان و ترکیه در مقابل خطر کمونیسم، نخستین نظریه مداخله جویانه در خارج از نیمکره غربی و دکترین آیزنهاور (هالستی، ۱۳۷۲: ۳۲).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۹۰

سال دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

بسیاری از صاحب نظران نقطه آغاز دخالت‌های گسترده و تاثیرگذار امریکا در امور داخلی ایران را وقایع منتهی به کودتای ۲۸ مرداد میدانند. این واقعه زمینه دخالت‌های بیشتر امریکا در مسایل ایران طی سالهای بعد را فراهم ساخت. حکومت آیزنهاور به عنوان بخشی از استراتژی خود مبنی بر تقویت حکومت‌های ضد شوروی در پیرامون چین و شوروی و دیگر نقاط جهان سوم، در اواسط دهه ۱۳۴۰ دست به تلاش گسترده‌ای برای آموزش و تجهیز نیروهای شبه نظامی، پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی در کشورهای دوست امریکا در جهان سوم، از جمله در ایران زد. در ایران، سه سازمان که با امنیت داخلی سر و کار داشتند، کمک‌های شایان توجهی از این دست دریافت کردند: ژاندارمری، شهربانی و دستگاه اطلاعاتی که در اواخر سال ۱۳۳۲ زیر نظر تیمور بختیار تاسیس و پس از مدت کوتاهی به ساواک تبدیل شد. (گازیوروسکی، ۱۳۷۱، ۳۹). در تمامی سالهای پس از کودتای ۱۳۳۲ تا سقوط شاه در سال ۱۳۵۷ حمایت‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی امریکا از شاه موجبات سیطره کامل امریکا بر شئون مختلف کشور را فراهم کرده بود. از لحاظ سیاسی به دلیل وابستگی سیاست‌گذاران کشور به امریکا، فرایند تصمیم‌گیری در رژیم شاه در هر دو حوزه داخلی و خارجی منطبق با ملاحظات و مطالبات امریکا به انجام میرسید و بسیاری از تصمیمات کشور با نظر مستقیم امریکاییها اتخاذ می شد. این وضعیت حاکمیت و سلطه امریکا را بر شئون مختلف کشور به دنبال داشت (امیری، ۱۳۷۹، ۳).

در مورد ابعاد مختلف سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران مقالات بسیاری منتشر شده است. با این حال، بحث تاثیر این مهم، بر بحران‌های جمهوری اسلامی ایران در صحنه داخلی و منطقه ای از مباحثی است که مغفول واقع شده است. در این راستا، از آنجایی که این تحقیق درصدد تاثیرات ابعاد مختلف سیاست‌های آمریکا در راستای بحران‌سازی در ایران بالاخص در دوران ملی شدن صنعت نفت بوده است و دامنه آن نیز همچنان ادامه دارد، این مهم به عنوان جنبه ای جدید و در واقع نوعی نوآوری در این پژوهش محسوب می‌شود.

-تحریم‌ها و واکنش‌های ایران به آمریکا:

نزدیک به دو دهه است که هدف سیاست خارجی آمریکا محدود کردن توسعه اقتصادی ایران پس از انقلاب بوده است. در سال‌های اخیر، این سیاست به طور انتخابی صنعت نفت ایران را هدف قرار داده و مشارکت شرکت‌های غیرآمریکایی را در پروژه‌های نفتی ایران محدود کرده است. تحریم‌های موجود آمریکا در تاریخ ایران پس از انقلاب، کلیه تجارت ایران و آمریکا را خاتمه داده است.



ایران که توسط بسیاری به عنوان سرسخت‌ترین دولت ضدآمریکایی در خاورمیانه تلقی می‌شود، بدون شک یکی از مشکل‌سازترین کشورها برای هر دولت ایالات متحده از سال ۱۹۷۹ بوده است. پیش از این، ایران نزدیک‌ترین متحد آمریکا در خلیج فارس محسوب می‌شد. اما پس از انقلاب اسلامی، روابط دو کشور بیشتر با گروگانگیری، رویارویی نظامی و تبادل اتهامات تند توصیف شده است.

اخیراً روابط اقتصادی دو کشور به دلیل مجموعه‌ای از تحریم‌های تجاری و سرمایه‌گذاری که به طور جدی کلیه فعالیت‌های اقتصادی بین دو کشور را با مشکل مواجه کرده است، بیشتر متشنج شده است. انبوه تحریم‌های اعمال شده علیه ایران در دو دهه گذشته نیز در شکل دادن به سیاست تجارت بین‌المللی ایران و مشارکت‌های اقتصادی نوظهور این کشور در منطقه موثر بوده است.

سال‌های پس از انقلاب ایران را می‌توان به چهار دوره زمانی متمایز تقسیم کرد: (۱) سال‌های انقلاب و جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷؛ این دوره به دلیل بی‌ثباتی پس از انقلاب و ویرانی‌های ناشی از جنگ، برای اقتصاد ایران دشوار بود. با کشور همسایه عراق همچنین دوره‌ای است که طی آن گروگان‌های آمریکایی در سفارت آمریکا در تهران گروگان گرفته می‌شوند، و بنابراین با وضعیت انزوای سیاسی و اقتصادی مشخص می‌شود که با تحریم‌های تجاری متعدد تسهیل می‌شود. (۲) عصر بازسازی پس از جنگ، ۱۹۸۹-۱۹۹۲؛ اقتصاد ایران بر بازیابی قابلیت‌های تولید داخلی از دست رفته در طول جنگ ایران و عراق متمرکز شد: جذب فناوری و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، تقویت مشارکت‌های خارجی برای توسعه زیرساخت‌های کشور، و کاهش محدودیت‌های واردات. ایالات متحده تحریم‌های تجاری نیز در این دوره کاهش یافت. (۳) محدودیت دوگانه و تجدید تحریم‌های تجاری، ۱۹۹۳-۱۹۹۵؛ از سال ۱۹۹۳، دولت کلinton مجموعه‌ای از اقدامات بازگانی محدودکننده را علیه ایران به عنوان بخشی از استراتژی مهار دوگانه با هدف محدود کردن توسعه اقتصادی عراق و ایران اعمال کرد. در این دوره، ایران از طریق مجموعه‌ای از توافقات بلندمدت اقتصادی دوجانبه و سه جانبه، مشارکت‌های منطقه‌ای خود را تقویت کرد. (۴) تحریم‌های سرمایه‌گذاری ایران و لیبی (۱۹۹۶ تا کنون): در سال ۱۹۹۶، محدودیت دوگانه تمرکز بر ایران را از طریق اجرای تحریم‌های ایران و لیبی تغییر داد. تحریم‌های غیرآمریکایی را که در بخش نفت ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند محدود می‌کند و در نتیجه قوانین ایالات متحده را فراتر از مرزهای آمریکا گسترش می‌دهد. اگرچه تحریم‌ها باعث کاهش موقت سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شد. آنها حمایت بین‌المللی کمی پیدا کرده‌اند. ماهیت فراسرزمینی تحریم‌های ایران و لیبی اخیراً توسط شرکت‌هایی در اروپا و خاور دور به چالش کشیده شده است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی
انجمن مطالعات جهان اسلام

در هر یک از دوره‌های زمانی فوق، اقدامات سیاستی ایران به موضوعات و اهداف خاصی پرداخته است. به عنوان مثال، در سال‌های جنگ ایران و عراق، ایران بر تنوع بخشیدن به مسیرهای تجاری بین‌المللی خود تأکید زیادی داشت تا اتکا به تأمین‌کنندگان غربی را کاهش دهد. با این حال، پس از پایان جنگ در سال ۱۹۸۸ و بی‌ثباتی بازارهای بین‌المللی نفت در اواسط دهه ۱۹۸۰، گسترش صادرات غیرنفتی به هدف اصلی تبدیل شد.

از اوایل دهه ۱۹۹۰ و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران بر توسعه مشارکت‌های اقتصادی منطقه‌ای، نه تنها با جمهوری‌های شوروی سابق در شمال نزدیک، بلکه با همسایگان شرق و غرب تمرکز کرده است. چنین مشارکت‌های بلندمدتی نیز در سال‌های اخیر به عنوان ابزاری برای مقابله با تحریم‌های سرمایه‌گذاری ایالات متحده که به طور خاص صنعت نفت ایران را هدف قرار می‌دهد، حیاتی شده است.

سیاست اقتصادی آمریکا در قبال ایران بر اساس نزدیک به دو دهه تنش عمیق دیپلماتیک بین دو کشور استوار است. تحریم‌های اقتصادی ناشی از تاریخ، ایران را تشویق به توسعه استراتژی‌هایی برای متنوع‌سازی مسیرهای تجاری، یافتن شرکای اقتصادی جدید و کاهش وابستگی به درآمدهای صادراتی نفت کرده است. تأثیرات استراتژی تنوع بخشی ایران در واقع بی‌چون و چرا بوده است. در سال ۱۳۵۳ هفت کشور ۷۰ درصد واردات و صادرات ایران را به خود اختصاص دادند. بیست سال بعد - تا سال ۱۹۹۴ - در مجموع ۱۴ کشور ۷۰ درصد تجارت بین‌المللی ایران را به خود اختصاص دادند و هفت شریک تجاری برتر ایران تنها نیمی از کل واردات ایران را به خود اختصاص دادند.

تشدید تحریم‌های تجاری و سرمایه‌گذاری از اوایل دهه ۱۹۹۰ به طور قابل توجهی بر ماهیت رقابت بین‌المللی برای تجارت ایرانی تأثیر گذاشته است. با این حال، تأثیرات تحریم‌های تجاری و سرمایه‌گذاری بیشتر توسط شرکت‌های آمریکایی نسبت به شرکت‌های غیر آمریکایی احساس شده است. این در درجه اول به دلیل دشواری عملی اجرای قوانین ایالات متحده در خارج از مرزهای ایالات متحده است، و در نتیجه، در موارد متعدد، تجارت قابل توجهی به شرکت‌های غیر آمریکایی از دست رفته است که از شرایط تحریم مصون هستند. بوئینگ، کونوکو و بریتیش پترولیوم آمریکا نمونه‌های برجسته‌ای هستند.

در سال ۱۹۹۳، دولت ایالات متحده درخواست بوئینگ را برای فروش هواپیماهای غیرنظامی ایران مورد نیاز برای توسعه سطح عملیات ایران ایر رد کرد. تا آن زمان، بیشتر ناوگان ایران ایر را بوئینگ‌ها تشکیل



می دادند و ایران ایر در سال قبل برای خرید ۱۶ فروند بوئینگ ۷۳۷-۴۰۰ مذاکره کرده بود. در نتیجه این امتناع، بوئینگ قرارداد ۹۰۰ میلیون دلاری خود را از دست داد و ایران ایر از آن زمان هواپیماهایی را از کنسرسیوم هوافضای اروپایی ایر باس خریداری کرده است. به طور مشابه، در سال ۱۹۹۳ BP Ameri-ca در مورد فروش یک کارخانه کود شیمیایی با ایران مذاکره کرده بود. این فروش توسط دولت به این دلیل ممنوع شد که این فناوری ممکن است ماهیت دو منظوره داشته باشد و منجر به ضرر ۱۰۰ میلیون دلاری فروش BP America شود.

بیشترین ضرری که در مورد تحریم‌ها علیه ایران منتشر شده، شرکت کونوکو، یکی از شرکت‌های تابعه دوپون بوده است. کونوکو و شرکت ملی نفت ایران در اوایل سال ۱۹۹۵ با قراردادی ۶۰۰ میلیون دلاری برای توسعه دو میدان نفتی و گازی فراساحلی ایران موافقت کردند. با این حال، کونوکو به دلیل فشارهای دولت و تحریم‌های بعدی سرمایه‌گذاری مجبور به خروج از قرارداد شد. این راه را برای توتال فرانسه باز کرد که از آن زمان کار روی این پروژه را آغاز کرده است. توتال همچنین با مشارکت در سرمایه‌گذاری جداگانه ۲۰۰۰ میلیون دلاری در ایران با مشارکت شرکت‌های روسی و مالزیایی، آخرین دور تحریم‌های سرمایه‌گذاری را به چالش کشیده است.

اذعان به این نکته مهم است که سیاست اقتصادی ایالات متحده در مورد ایران دسترسی ایران به فناوری، منابع و منابع مالی غربی را به طرز محسوسی محدود کرده است. این سیاست همچنین به وضعیت سخت اقتصادی کمک کرده است که با نرخ بالای تورم و بیکاری و کاهش ارزش پول ایران منعکس شده است. با این حال، آنچه در مورد وضعیت کنونی تحریم‌ها بیش از همه قابل توجه است این است که علیرغم ماهیت شدید آنها، آنها در عمل نتوانسته‌اند به هدف اصلی خود یعنی توقف دخالت بین‌المللی در صنعت نفت ایران دست یابند. صنعت نفت ایران در حال بازسازی و توسعه است. میادین نفت و گاز ایران نیاز به نگهداری و توسعه مناسب دارند و ظرفیت پالایش نفت باید افزایش یابد تا بتواند با تقاضای رو به رشد داخلی همگام شود.

در همین حال، نقض تحریم‌ها توسط شرکت‌هایی از اروپا و خاور دور، عمدتاً به دلیل اقدامات تلافی‌جویانه بالقوه که می‌تواند با مجازات شرکت‌های متخلف منتج شود، بدون چالش باقی مانده است. بنابراین، در حالی که تحریم‌های موجود شرکت‌های آمریکایی را از رقابت در ایران منع کرده است، به وضوح فرصت‌های تجاری قابل توجهی را برای شرکت‌های غیرآمریکایی فعال در صنعت پرسود نفت ایران نشان می‌دهد. (Hooman Estelami, 2012: 3-9)

-سیاست خارجی آمریکا

ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ خود استراتژی‌های متفاوت را با توجه به جایگاه جهانی خود اختیار کرده است. این تغییر استراتژی کاملاً طبیعی بوده است. از انزوگرایی تا بین‌الملل‌گرایی؛ اما آنچه همیشه ثابت بوده، ماهیت استراتژی‌ها که جملگی هدفشان در راستای ایجاد توانمندی اقتصادی، امنیت فیزیکی و اشاعه ارزشی بوده است. آمریکا امروزه استراتژی مبارزه با تروریسم را دنبال می‌کند که با توجه به شرایط جهانی و دگرگونی در ارزیابی منافع ملی جایگزین استراتژی سد نفوذ شده است.

درک و فهم رهبران آمریکا از محیط بین‌المللی در هزاره جدید به طریزی وسیع در چهارچوب ارزش دهنده فرهنگ سیاسی این کشور بازتاب یافته است. این به آن معنا است که برای اولین بار از زمان انتقال مرز تصمیم‌گیری از اروپا به آمریکا به طور وسیعی شاهد هستیم که سیاست خارجی گروگان ملاحظات داخلی گردیده است. اینکه چرا چنین دگرگونی گسترده در عملکرد خارجی رهبران آمریکا در دوران هژمونی این کشور حادث گردیده است به ضرورت باید توجه را معطوف به ماهیت ساختار نظام بین‌الملل کرد. (دهشیر، ۱۳۸۶: ۱۵۳)

به دنبال تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران، آمریکا در مواجهه با انگلیس و ایران روشی دوگانه در پیش گرفت. در واقع دولت آمریکا یک استراتژی تغییر ناپذیر برای کسب سلطه بر منابع نفت و یک تاکتیک نرم و دوپهلوی برای رسیدن به این هدف پیشه خود ساخت. از یک طرف با حمایت از عملیات دولت ایران، انگلیسی‌ها را تحت فشار قرار می‌داد و از طرف دیگر، با حمایت از پیشنهادهای انگلیس، ایران را از اهداف خود باز می‌داشت.

هرچند هدف اصلی آمریکا حمایت از نهضت ملی ایران نبود اما آن کشور با انگلستان نیز همراهی چندانی نداشت. ایالات متحده اصولاً به هیچ وجه راضی نبود که تمام نفت ایران در اختیار انگلستان باقی بماند لذا سیاستی را در منطقه و ایران تعقیب می‌کرد که کنترل منابع نفتی منطقه را از دست انگلستان خارج کند. سیاستهای آمریکا از ابتدای ماجرای نفت تا پایان آن نیز موید همین واقعیت است. این دولت در اصل با سیاست دکتر مصدق و «ملی کردن صنعت نفت» مخالف بود. بدین معنی ایالات متحده هم با سیاست نفتی انگلستان در ایران و هم با اصل ملی کردن صنعت نفت سازگاری نداشت. این کشور حتی در دوره مصدق اقداماتی از جمله مخالفت با مصدق انجام داد که عامل تضعیف دولت وی گردید. بعد از برکناری حکومت ملی دکتر مصدق و روی کار آمدن حکومت سرلشکر زاهدی و بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی بر اثر تحریم‌های اقتصادی کشور انگلستان و فشارهای سیاسی بین‌المللی؛



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام



با سرکوب کردن مبارزه قهرمانانه ی ملت ایران زمینه آماده و مناسبی برای هرگونه مقاصد چپاول گرایانه استعمار گرایان آمریکایی و انگلیسی فراهم گردید.

سرانجام کنسرسیومی متشکل از ۵ شرکت آمریکایی: استاندارد نیوجرسی/ استاندارد کالیفرنیا/ سوکونی واکيوم/ گلف/ شرکت نفت تگزاس با ۴۰ درصد سهام (هرکدام هشت درصد) و شرکت نفت ایران و انگلیس سابق (بریتیش پترولیوم) و شرکت هلندی رویال داچ شل با ۱۴ درصد سهام (۴۰ درصد سهام این شرکت از آن شرکت نفت ایران و انگلیس بود). و نهایتاً شرکت نفت فرانسوی با ۶ درصد بر اساس نظریات ۲ کشور استعمار گر آمریکا و انگلیس تشکیل گردید. سرانجام قرارداد کنسرسیوم با دولت ایران در ۱۷ مهر ماه ۱۳۳۳ در دوره ۱۸ مجلس شورای ملی به ریاست سردار فاخر حکمت تشکیل جلسه می دهد و زاهدی نخست وزیر علی امینی وزیر دارایی و تنی چند از وزیران کابینه در مجلس حضور می یابند و اندر فواید این قرارداد سخنرانی میکنند. نهایتاً در ۲۲ مهر ۱۳۳۳ همانگونه که هاوارد پیچ نماینده ی غول های نفتی گفته بود بدون کم و کاست به تصویب می رسد و در ۶ آبان ماه همان سال از تصویب مجلس سنا میگذرد. بدین طریق استعمارگران آمریکایی و انگلیسی صاحب پیروزی بزرگ خود میشوند. ولی آمریکا و انگلیس در ایران چه کاشتند و چه برداشتند؟

باد کاشتند و طوفان درو کردند. سرانجام با پایان دوران ۲۵ ساله ی قرارداد کنسرسیوم در سال ۱۳۷۹ و با پیروزی انقلاب اسلامی به سلطه ی تمامی سلطه گرایان خاتمه داده شد. (نائبیان. (۴۷۱-۱۳۷۸: ۴۸۳ در نگاهی به گذشته، ایالات متحده از کودتا حمایت کرد در ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به عنوان یک رویداد مهم در تاریخ جهان پس از جنگ مطرح شده است

دولت نخست وزیر محمد مصدق که در کودتا سرنگون شد، آخرین دولت مردمی و دموکراتیک بود که در ایران به قدرت رسید. رژیم که جایگزین آن شد، دیکتاتوری بود که همه اشکال فعالیت سیاسی مردمی را سرکوب کرد و تنش هایی را ایجاد کرد که به انقلاب ۱۹۷۸-۱۹۷۹ ایران کمک زیادی کرد. اگر مصدق سرنگون نمی شد، ممکن بود انقلاب نمی شد. کودتای سال ۱۹۵۳ همچنین اولین استفاده از اقدامات مخفیانه ایالات متحده در زمان صلح برای سرنگونی یک دولت خارجی بود. به این ترتیب، این یک سابقه مهم برای رویدادهایی مانند کودتای ۱۹۵۴ در گواتمالا و سرنگونی سالوادور آلنده در شیلی در سال ۱۹۷۳ بود و ایالات متحده را به هدف اصلی انقلاب ایران تبدیل کرد.

ارتش ایران با حمایت و کمک مالی دولت ایالات متحده، دولت نخست وزیر محمد مصدق را سرنگون می کند و شاه ایران را بر سر کار می آورد. ایران تا زمانی که یک انقلاب به حکومت شاه در سال



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه دراست‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۱۹۷۹ پایان داد، متحد ثابت جنگ سرد ایالات متحده باقی ماند. مصدق در سال ۱۹۵۱ زمانی که به سمت نخست وزیری منصوب شد در ایران به شهرت رسید. مصدق که یک ملی‌گرای تند بود، بلافاصله حملات خود را به شرکت‌های نفتی بریتانیایی که در کشورش فعال بودند آغاز کرد و خواستار سلب مالکیت و ملی‌سازی میادین نفتی شد. اقدامات او او را با نخبگان طرفدار غرب ایران و شاه، محمدرضا پهلوی، درگیر کرد. در واقع، شاه در اواسط سال ۱۹۵۲ مصدق را برکنار کرد، اما شورش‌های عمومی گسترده در محکومیت این اقدام، شاه را مجبور کرد تا مدت کوتاهی بعد، مصدق را به قدرت برگرداند. مقامات آمریکایی وقایع ایران را با شک و تردید فزاینده تماشا کردند. منابع اطلاعاتی بریتانیا با همکاری سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، به این نتیجه رسیدند که مصدق تمایلات کمونیستی دارد و اگر اجازه داده شود در قدرت بماند، ایران را به مدار شوروی منتقل خواهد کرد. (Mohammad Mosad-deq and the, 2004: 6-12)

سیا و اطلاعات بریتانیا با همکاری شاه، شروع به طراحی نقشه ای برای سرنگونی مصدق کردند. اما نخست‌وزیر ایران از این طرح استقبال کرد و هواداران خود را به اعتراض به خیابان‌ها فراخواند. در این مرحله شاه به دلایل پزشکی کشور را ترک کرد. درحالی که اطلاعات بریتانیا از این شکست عقب نشینی کرد. سیا به عملیات مخفیانه خود در ایران ادامه داد سیا با همکاری با نیروهای طرفدار شاه و مهمتر از همه، ارتش ایران، با شوخی، تهدید و رشوه به نفوذ خود کمک کرد و به سازماندهی کودتای دیگری علیه مصدق کمک کرد. در ۱۹ اوت ۱۹۵۳، ارتش با حمایت اعتراضات خیابانی سازماندهی شده و تامین مالی شده توسط سیا، مصدق را سرنگون کرد. شاه به سرعت بازگشت و قدرت را در دست گرفت و به پاس کمک‌های آمریکا، بیش از ۴۰ درصد از میادین نفتی ایران را به شرکت‌های آمریکایی امضا کرد. مصدق دستگیر شد، سه سال در زندان گذراند و در سال ۱۹۶۷ در حبس خانگی درگذشت. شاه به یکی از متحدان مورد اعتماد آمریکا در جنگ سرد تبدیل شد و کمک‌های اقتصادی و نظامی ایالات متحده در دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به ایران سرازیر شد. اما در سال ۱۹۷۸ اعتراضات ضد شاه و ضد آمریکایی در ایران آغاز شد و شاه در سال ۱۹۷۹ از قدرت سرنگون شد. مبارزان سفارت ایالات متحده را تصرف کردند و کارکنان آمریکایی را تا ژانویه ۱۹۸۱ گروگان گرفتند. ثابت شد که ناسیونالیسم، نه کمونیسم جدی‌ترین تهدید برای قدرت آمریکا در ایران (History.com Editors, 2009: 2-9)

وزرای امور خارجه انگلیس و آمریکا در ۱۶ اسفند ۱۳۳۱/۶ مارس ۱۹۵۳ در لندن ملاقات کردند و با انتشار بیانیه‌ای بر این مطلب تأکید نمودند که هر دو دولت از طرح لویی هندرسن، سفیر آمریکا در تهران،

که تسلیم دکتر مصدق شده است و سهم ایران را در تمام مراحل کشف، استخراج، تصفیه و فروش نفت به طور عادلانه رعایت خواهد کرد، پشتیبانی خواهند کرد. این بیانیه در واقع اتمام حجت دو دولت علیه ایران تلقی می‌شد که باز هم به خاطر نقض منافع ملی ایران، مصدق آن را رد کرد. اورل هریمن، فرستاده ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا (هری ترومن)، به عنوان میانجی بی‌طرف به تهران وارد شد. او در سر راه خود در پاریس با وزیر امور دارایی انگلیس نیز ملاقات کرد. هریمن در مذاکراتش با دکتر مصدق به صراحت اعلام کرد چون دولت ایران با تصرف اموال، املاک و تجهیزات شرکت نفت انگلیس و ایران، اقدام غیرقانونی انجام داده است، قانون مصوب مجلس قانون مصادره بوده است نه قانون ملی شدن. این در حالی بود که در متن قانون ملی شدن صنعت نفت آمده بود که دولت ایران کلیه ضرر و زیان شرکت را پرداخت خواهد کرد توطئه سیا که به عنوان عملیات آژاکس شناخته می‌شود، در نهایت درباره نفت بود. شرکت‌های غربی برای دهه‌ها ثروت نفتی منطقه را کنترل می‌کردند، چه شرکت نفت عربی-آمریکایی در عربستان سعودی و چه شرکت نفت انگلیس و ایران در ایران. هنگامی که شرکت آمریکایی در عربستان سعودی در اواخر سال ۱۹۵۰ در برابر فشارها سر فرود آورد و موافقت کرد که درآمدهای نفتی خود را به طور مساوی با ریاض تقسیم کند، امتیاز بریتانیا در ایران برای پیروی از آن تحت فشار شدید قرار گرفت. اما لندن قاطعانه امتناع کرد. تحریم اقتصادی و به‌ویژه تحریم خرید نفت ایران و تحریم همکاری فنی با این کشور در عملیات استخراج از دیگر فشارهای انگلیس بر دولت دکتر مصدق بود که آمریکا نیز آنها را پذیرفت؛ زیرا تقریباً آخرین پیشنهاد آمریکا را که عبارت بود از تقسیم سود ۵۰ - ۵۰ (سیستم fifty, fifty) میان انگلیس و ایران، دکتر مصدق به دلیل مغایرت آن با چهارچوب قانون ملی شدن صنعت نفت رد کرد. آمریکا، به منظور جبران کمبود نفت ایران در بازارهای جهانی، تولید داخلی و نیز تولید کمپانی‌های نفتی خود در طهران عربستان و کویت را افزایش داد. این اقدام ضربه سنگینی به اقتصاد و سیاست ایران وارد کرد (Iranian Political Developments, 2002)

- رویکرد آمریکا در قبال ایران بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

اسلام سیاسی با محوریت و مرکزیت انقلاب اسلامی ایران یکی از منابع مهم و الهام بخش برای مخالفت‌های آمریکا با ایران است. بحران یازدهم سپتامبر باعث شد تا آمریکا بتواند از طریق اشغال نظامی افغانستان و عراق دست به محاصره فیزیکی ایران بزند. اما همین اشغال یک جنبه پارادوکس گونه داراست، چرا که همزمان با اشغال عراق زمینه راهبردی قدرت یافتن بیش از صد و چهل میلیون جمعیت

شیعه منطقه با رهبری جمهوری اسلامی ایران فراهم آمد (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۷، ۲۲۲-۱۹۸).

این در حالی است که باید در خاطر داشته باشیم دیدگاه باز و عمیق اسلام شیعه با دیدگاه مبتنی بر تفسیر سلفی از اسلام و قرآن سنخیتی ندارد و ایرانیان شیعه و شیعیان عراق نیز خود اولین قربانی این افراطی گری اسلام سلفی هستند، اما دولت آمریکا اصرار دارد تا ایران را رهبر تروریسم در منطقه و در سطح نظام بین الملل معرفی کند و به این ترتیب آن را منزوی و محدود کند. دولتمردان و سیاستگزاران آمریکا ریشه تروریسم در خاورمیانه را بنیادگرایی اسلامی- ایرانی می بینند.

نکته پارادوکس گونه دیگر در مورد آمریکا، تلاش آن برای تسریع در روند دموکراسی سازی، سکولاریسم، ملی گرایی و ارزش های لیبرال است. علیرغم همه این تلاش ها شاهد هستیم که روند انتخابات در کشورهای افغانستان، عراق، فلسطین و... تاکنون باعث قدرت گرفتن هر چه بیشتر اسلام گرایان شده است. باید توجه داشته باشیم که حتی اگر اسلام گرایان مبارزه خواهی مستقیم با آمریکا را کنار بگذارند اما هرگز حاضر به استقبال و پذیرش سیاست های آمریکا در خاورمیانه به ویژه حمایت بی قید و شرط آن از تل آویو نخواهند شد (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۹، ۹۷-۸۶).

علاوه بر این انگاره ذهنی منفی، موضوع توانایی های هسته ای ایران، روابط تهران و واشنگتن را هر چه بیشتر بحرانی کرده است. ایران از دیدگاه آمریکایی ها، رهبر اسلام گرایی در جهان است، اما باید توجه داشته باشیم که تلاش آمریکا برای دموکراسی سازی به اسلام گرایی هر چه بیشتری منجر شده است. در مورد ایران هسته ای، دولت آمریکا با اعمال سیاست های ایران هراسی، ائتلافی بین غرب، اعراب و اسرائیل علیه ایران به وجود آورده است، اگر چه این ائتلاف به ویژه با حضور اسرائیل در آن تا حدودی شکننده به نظر می رسد، اما رسالت آن روشن است و آن بازدارندگی و مهار ایران است. دولت آمریکا از راهکارهای سخت و نرم در راه بازدارندگی و مهار ایران استفاده کرده است، هدف آمریکا انتقال تسلیحات به متحدان خود در منطقه و نیز ارائه کمک های اقتصادی استراتژیک به آنهاست. انتقال تسلیحات به خاورمیانه طی سال های ۲۰۰۴م. تاکنون، یعنی سال هایی که گفتمان تهدید ایران اوج گرفته و ایران هراسی در منطقه رایج شده است، به میزان سی و هشت درصد نسبت به سال های ۲۰۰۳-۱۹۹۳م. رشد داشته است. طی این سال ها سی و چهار درصد کل تسلیحات انتقال یافته به خاورمیانه راهی کشور امارات متحده عربی شده است، به گونه ای که امارات به سومین خریدار بزرگ تسلیحات در دنیا تبدیل شده است. از نگاه دیگر، در راستای تحقق موازنه سخت، تحرکات نظامی عمدتاً به شکل مانورهای نظامی در منطقه و علیه ایران برگزار شده است. آمریکا وارد دو جنگ در همسایگی ایران شده که از پیامدهای آن تنگ تر شدن حلقه محاصره



فصلنامه علمی-پژوهشی
جمعیت دراست العالم الاسلامی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

ایران است. بحث حمله اسرائیل به ایران و تکرار پیوسته این سخن که «گزینه نظامی همچنان روی میز قرار دارد» در همین راستا قابل تفسیر است.

تحریم‌ها و محدودیت‌های سیاسی به عنوان مهمترین شاخصه‌های فشار علیه ایران در حد وسیعی به کار گرفته شده است و ایالات متحده آمریکا و اسرائیل چه بطور مستقیم و چه بوسیله لابی صهیونیستی و اعراب در این زمینه ایفای نقش کرده‌اند. در همین چارچوب آمریکا، اسرائیل و بازیگران دیگری مانند چین، هند و روسیه را به دلیل همکاری استراتژیک با ایران تحت فشار قرار داده‌اند. (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۷، ۹۹).

سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا تا مدت‌ها معطوف به حمایت و پشتیبانی از حکومت‌های اقتدارگرا اما هم پیمان و حافظ منافع واشنگتن در منطقه بود. حفظ ثبات، به عنوان محور اصلی این رویکرد، شاکله کلی سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا را تشکیل می‌داد. با تقویت و تحرک بیشتر گرایش‌های ضد آمریکایی و وقوع حملات ۱۱ سپتامبر در خاک آمریکا، سیاستمداران کاخ سفید به سمت اتخاذ رویکرد امنیتی بجای حفظ ثبات در منطقه تغییر جهت دادند.

خاورمیانه با داشتن منابع غنی انرژی از یک سو و موقعیت خاص ژئوپولتیک از سوی دیگر، حوزه منفعتی غیر قابل اغماضی برای قدرت‌های بزرگ محسوب می‌شود. این در حالی است که خاورمیانه نه تنها با نظم سیاسی، اقتصادی آمریکا هماهنگی ندارد بلکه به شدت پتانسیل مقاومت و مقابله را دارد. حوادثی از قبیل رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حضور اتباع سعودی در آن و احیای افراط‌گرایی دینی در منطقه، نمایانگر تضاد منفعتی و امنیتی قدرت آمریکا و منطقه خاورمیانه است. از این رو، پی‌گیری اصلاحات سیاسی در راستای اصول دموکراتیک به منظور استقرار نظم سیاسی مطلوب و اصلاحات اقتصادی در راستای نظم اقتصادی لیبرال و بازار آزاد به منظور استقرار نظم اقتصادی مطلوب در دستور کار سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا قرار گرفت.

اسلام سیاسی و تروریسم به خصوص پس از حملات ۱۱ سپتامبر، به عنوان دو عامل اساسی، آمریکا را بیش از پیش به سمت توجه به ضرورت اصلاحات در خاورمیانه سوق داد. آمریکا اسلام سیاسی و تروریسم را از عوامل اصلی تهدید امنیت و منافع خود تلقی می‌کند و بر این اساس درصدد است تا با باز کردن فضای سیاسی و بهبود شرایط اقتصادی در کشورهایی که به لحاظ فکری و حمایت مالی خاستگاه چنین حرکت‌های رادیکالی محسوب می‌شوند، ریشه افراط‌گرایی را بخشکاند. به عبارت دیگر، اسلام سیاسی و تروریسم در خاورمیانه از علل و همچنین از اهداف سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا تلقی می‌شود.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۰۰

سال دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

شرایط به وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر این فرصت را در اختیار نومحافظه‌کاران قرار داد تا در راستای عملیاتی نمودن موارد ذیل تلاش کنند:

دشمن جدید و خطر بالفعلی را برای طراحی و اجرای راهبرد کلان امنیت ملی ایالات متحده آمریکا معرفی کنند. با اتخاذ یک رویکردی آفندی - امپراطوری براساس اجبار - اجماع - اقناع و با استفاده از نیروهای مسلح، نظم لیبرالیستی بین‌المللی را در راهبرد کلان امنیت ملی آمریکا نهادینه کنند. استیلا و برتری علی‌الاطلاق ایالات متحده آمریکا در حوزه‌های نظامی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی را برای دهه‌های متوالی در نظام بین‌الملل در قالب مقابله با تهدید فاشیسم و تروریسم اسلامی تضمین کنند. تسلط بر منابع اصلی انرژی نفت و گاز به عنوان منابع اولیه ثروت و قدرت در قرن ۲۱ را تضمین و با رقابلی که با استفاده از این منابع قصد چالشگری را دارند، به شکل پیشدستانه مقابله کنند. عوامل مخل امنیت در اوائل قرن ۲۱ در قالب چالشگری ملل، اقوام و ادیان به لحاظ کمی و کیفی افزایش خواهند یافت. تغییر در الگوهای آموزشی، ابزارها و ساختارها براساس رهیافت و راهبردی نوین ضروری خواهد بود. یکی از وظایف نیروهای مسلح آمریکا در قرن ۲۱ ثبات‌سازی و استقرار نظم و امنیت به مفهوم فراگیر آن خواهد بود. (واعظی، ۱۳۸۶، ۴۸)

بطور خلاصه دلایل آمریکا برای مبادرت به تغییر رفتار در قبال ایران در برگیرنده یک سری عوامل می‌باشد که برخی از آنها عبارتند از اینکه انقلاب ایران منافع آمریکا در خاورمیانه را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته است، سرنگونی صدام وزنه تعادل قدرت در منطقه را به نفع ایران تغییر داده است، توانمندی اتمی به طور کامل سبب تفوق ایران بر سایر کشورهای منطقه خواهد شد، ایران هسته‌ای دشواری‌های بسیاری را برای اسرائیل و ادامه حضور آمریکا در منطقه ایجاد خواهد کرد، ایران همچنان الهام‌بخش اصلی گسترش اسلام سیاسی در منطقه است. بر این اساس، ایالات متحده آمریکا در مرحله نخست به دنبال تغییر مواضع و در مرحله دوم به دنبال ایجاد بازدارندگی جدید در برابر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. (منفرد، ۱۳۹۱: ۳)

تحریم‌ها را می‌توان به دو نوع تحریم‌های خصوصی و بین‌المللی تقسیم کرد. تحریم‌های بین‌المللی در واقع همان تحریم‌های دولتی است که در مقابل تحریم‌های خصوصی قرار می‌گیرد. گاهی تحریم ممکن است توسط افراد، گروه‌ها یا تشکیلات غیردولتی به منظور وادار کردن کشور خارجی یا اتباعش یا حتی دولت متبوع خود این افراد به انجام رفتار مشخصی صورت گیرد که از حوزه مورد نظر این تحقیق، خارج است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

اصولاً یکی از فنون مؤثر و کارآمد در اجرای سیاست خارجی برای تحقق هدفها و تأمین منافع ملی، استفاده از ابزارهای اقتصادی، مالی، تجاری و تکنولوژیک است. در این راستا دولت استفاده کننده از این حربه‌ها سعی می‌کند دولتهای دیگر را به تغییر در رفتارهای سیاست خارجی شان وادار کند، به گونه‌ای که دگرگونیهای حاصل از داده‌های سیاست خارجی دیگران، منافع دولت استفاده کننده را از ابزارهای مورد نظر در پی آورد. بهره‌گیری از این حربه‌ها به عصر کنونی روابط بین‌الملل منحصر نیست بلکه در گذشته نیز دولتها سعی کرده‌اند از این طریق، دیگران را به تسلیم در مقابل خواسته‌های خود وادار کنند.

در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸ و در ادامه دور سوم تحریمها علیه ایران قطعنامه ۱۸۳۵ را علیه فعالیت های صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد. در این قطعنامه که دارای چهار بند است تنها نسبت به قطعنامه های قبلی تاکید شده است. قطعنامه ۱۸۳۵: شورای امنیت در قطعنامه ۱۸۳۵ خود ضمن اشاره به گزارش جدید محمد البرادعی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از عدم تعلیق غنی سازی اورانیوم ایران سخن گفته بود، از ایران خواست تا به صورت کامل و بدون هیچ تاخیری به قطعنامه‌های پیشین این شورا و نیز درخواست‌های شورای حکام آژانس در تعلیق برنامه هسته‌ای خود عمل کند. (Mohammad Mosaddeq and the, 2004: 5-9)



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

نتیجه گیری

کودتای «۲۸ مرداد» که به تاریخ فارسی معروف است، نقطه عطفی برای ایران، خاورمیانه و جایگاه آمریکا در منطقه بود. عملیات مشترک ایالات متحده و بریتانیا به تلاش ایران برای اعمال کنترل حاکمیتی بر منابع خود پایان داد و به پایان بخشیدن به فصل پر جنب و جوش در تاریخ جنبش های ملی گرایانه و دموکراتیک این کشور کمک کرد. این پیامدها در سالهای بعد با تأثیرات چشمگیری طنین انداز شد.

تداوم و فرجام، حیات سیاسی ایران طی یکصد سال اخیر به نحو شگرفی به تولید و صدور نفت پیوند خورده است. موقعیت انرژی ایران و مکانیسم پیچیده مدیریت این صنعت در سطح ملی و بین المللی موجب پدیداری فصل خاصی در حیات سیاسی ایرانیان گردید که ایرانی ها و غیرایرانی ها هر دو نقش مهمی در موفقیت کودتا داشتند. سیا با کمک اطلاعات بریتانیا، این عملیات را برنامه ریزی، تأمین مالی و اجرا کرد. زمانی که توطئه در مراحل اولیه به طور کامل از هم پاشید، عوامل ایالات متحده در زمین ابتکار عمل را به دست گرفتند، برنامه ها را با شرایط جدید تطبیق دادند و همکاران ایرانی خود را برای ادامه دادن تحت فشار قرار دادند. علاوه بر این، بایکوت نفت به رهبری بریتانیا، با حمایت ایالات متحده، به علاوه طیف گسترده ای از فشارهای سیاسی مداوم توسط هر دو دولت علیه مصدق، که به یک کمپین تبلیغاتی مخفی گسترده در ماه های منتهی به کودتا به اوج خود رسید، به ایجاد فضای لازم برای کودتا کمک کرد. ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از قطب تعیین کننده اقتصادی و تجاری دنیا در طول ۲ دهه پس از انقلاب اسلامی، ایران را همواره مورد تحریم و تحدید قرار داده است و از آنجایی که وقوع انقلاب اسلامی بسیاری از معادلات امنیتی منطقه را متأثر ساخته بود آمریکا از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸ م بسیاری از پست های حساس ارتش ایران را در دست مستشاران خود قرار داده بود. در میان مستشاران امریکایی که در براندازی دولت مصدق شرکت کرده بودند، ژنرال نورمن شوارتسکف از همه بیشتر سهم بود. وی، که رئیس سابق پلیس ایالت نیوجرسی بود، از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۵۰ م به عنوان مستشار در ژاندارمری ایران خدمت می کرد و از کسانی بود که در عملیات کودتا سهم بسزایی داشت. وی نخستین کسی بود که طرح آژاکس را برای بررسی به ایران آورد و با محمدرضا شاه در میان گذاشت. پس از آنکه کوشش های سیا و «اینتلیجنت سرویس» انگلیس برای برقراری ارتباط مستقیم با شاه به وسیله اشرف پهلوی به نتیجه رسید، شوارتسکف به تهران اعزام گردید. وی از اول مرداد به بهانه سفر جهانگردی و بازدید از دوستان قدیمی ایرانی خود به تهران وارد شد و محرمانه با شاه ملاقات کرد و او را از پشتیبانی کامل آمریکا و انگلیس در براندازی مصدق مطمئن ساخت و از شاه خواست که با کریمت روزولت همکاری کند آنچه



در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد و مسئله تسلط بر بازار نفت ایران اهمیت استراتژیک داشت، بازیگری دو پهلوی امریکاییان بود؛ به‌ویژه در دوره ترومن که حتی اصل ملّی کردن صنعت نفت را حق ملّی اعلام کرد. اما از زمان آیزنهاور سیاست خارجی خشن امریکا به بهانه مبارزه با کمونیسم به کلی جانب انگلیس را گرفت، درحالی‌که با بهره‌اندگیس وارد بازی شد تا خود انگلیس را مات کند و به‌دوران تسلط انحصاری بریتانیا بر بازار نفت ایران خاتمه دهد. کودتای ۲۸ مرداد دیوار بلندی از بدگمانی و تاریکی میان ملّت ایران و امریکا ایجاد کرد که هنوز این سوءظن در اذهان عمومی ملّت ما وجود دارد. اما به‌هرحال اصل ملّی شدن صنعت نفت اجرا شد؛ هرچند کنسرسیوم خود نیز نوع دیگری از سلطه اقتصادی بر ملّت ایران بود



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۱۰۴

سال دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

منابع

- احیایی، زینب(۱۳۸۲)، مستشاران آمریکائی در ایران به روایت اسناد، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- احمدی، افسانه (۱۳۸۷)، سیاست های خاورمیانه ای آمریکا و نظریه ظهور نقش منطقه ای ایران، مجله پژوهش نامه سیاست خارجی، شهریور.
- برچر، مایکل و جانان ویلکنفلند(۱۳۸۲)، بحران، تعارض و بی ثباتی، ترجمه علی صبحدل. تهران.
- بیلیس، جان و اسمیت، استیو، (۱۳۸۳)جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین: زمینه تاریخی و نظریه ها، ساختارها و فرایندها، جلد ۱، ترجمه: ابولاسم راه چمنی، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
- پورتر، گرت(۱۳۹۳)، بحران جعلی: قصه ناگفته از هراس هسته ای ایران، ترجمه شده توسط: معاونت آموزش و پژوهش خبرگزاری فارس
- دهشیار، حسین، کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۸۶)، سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا، سیاست خارجی ۱۳۸۶ شماره ۸۴.
- زهرانی، مصطفی(۱۳۸۱)، ابعاد و پیامدهای پایان عصر نفت از کشورهای یاعی تا محور اهریمنی: مهار تا حمله پیشگیرانه، روابط خارجی، شماره ۶.
- رنجبر، احمد(۱۳۸۳)، جایگاه رئیس جمهور در رژیم های سیاسی مختلف، مجلس و پژوهش سال یازدهم زمستان ۱۳۸۳ شماره ۴۶
- سیمبر، رضا، رحم دل، رضا (۱۳۸۹)، مهسا فلاح. دوره ۹، شماره ۳۶، اسفند ۱۳۹۵، صفحه ۸۷-۱۰۶
- سجاد پور، سید محمد کاظم(۱۳۷۶)، نقش و جایگاه تحریم در سیاست خارجی آمریکا، سیاست خارجی بهار، سال یازدهم، شماره ۱.
- سلیمانی، علی(۱۳۹۰)، بررسی روابط سیاسی ایران و آمریکا در دوره نخست وزیری محمد مصدق، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره پیاپی ۴۸، مهرماه.
- سوری، ایرج، رضایپور، مهدی(۱۳۹۶)، پهلوی دوم و واکاوی سیاست خارجی آمریکا در دوره ریاست جمهوری کارتر با تأکید بر مسأله انقلاب در ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۵ش)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، دوره ۱۸، شماره ۷۲، پاییز.
- سیمبر، رضا، قربانی، سعید(۱۳۸۷)، سیاست خارجی آمریکا و تحریم های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، نشریه دانش سیاسی، شماره پیاپی ۱۲.
- قوام، عبدالعلی(۱۳۷۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ اول، تهران: سمت.
- کاظمی، سید علی اصغر(۱۳۶۶)، مدیریت بحران های بین المللی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- گانتشاک، پیتر، گرین، گابریل(۱۳۹۳)، اسلام هراسی، ترجمه شده توسط: حسین علیزاده، انتشارات سروش
- موسویان، سیدحسین(۱۳۹۷)، ایران و آمریکا گذشته شکست خورده و مسیر آشتی، انتشارات تپسا، چاپ سوم.
- منفرد، قاسم(۱۳۹۱)، نتوجکسونیس؛ الگوی سیاست خارجی امریکا در دوران دونالد ترامپ، فصلنامه بین المللی ژئوپلتیک، دوره ۱۵، شماره ۵۳.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

-موسویان، حسین(۱۳۹۴)، کتاب ایران و ایالات متحده: نگاهی از درون گذشته‌ای شکست خورده و مسیر آشتی، انتشارات تیس، چاپ ۲.

-نجاتی، غلامرضا(۱۳۸۹)، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، انتشارات شرکت سهامی. -نائبیان، جلیل(۱۳۷۸)، پژوهش در مسائل سیاسی تاریخی نفت در ایران، تهران: ثارالله ۱۳۷۸.
-واعظی، محمود (۱۳۸۶)، روندها و ساختارها در وضعیت جدید جهانی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۳، پاییز.

- هالستی، کی. جی(۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
-یرواند، آبراهامیان (۱۳۹۲)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: گل محمدی، احمد، فتاحی، محمد ابراهیم، انتشارات نی.

- Anderson Carl. R (1988). Management: skills, functions, and organization performance, Allyn. & Bacon. Inc, 2nd ed.

-History.com Editors(2009), The coup, with the help of the CIA, overthrew the Iranian government, A&E Television Networks, November 13, 2009.

-Hooman Estelami (2012)A Study of Iran s Responses to U.S. Economic Sanctions: https://ciaotest-cc-columbia-edu.translate.google/olj/meria/meria99_esh0

-"Iranian Political Developments from the End of March to the Overthrow of the Mosadeq Regime(2002)," October 28: <https://www.history.com/this-day-in-history/cia-assisted-coup-overthrows-government-of-iran>

-Mohammad Mosaddeq and the(2004), Edited by Mark J. Gasiorowski and Malcolm Byrne, 1953 A Joint U.S.-British Regime-Change Operation in 1953 that Holds Lessons for Today, New Documents Shed Further Light on Secret U.S. Policy Coup in Iran



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت‌ترانس‌العلم الاسلامی

۱۰۶

سال دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۱۰۴

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

مظاهری تهرانی، محمد هادی؛ نائبیان، جلیل؛ جویباری، محمدیوسفی (۱۴۰۱)، «سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در بحران‌های سیاسی ایران معاصر(با تأکید بر جریان ملی شدن صنعت نفت)» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۱۲، ش ۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۷۷-۱۰۶.